



## سورة الكوثر

مکی و دارای ۳ آیه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشنده مهربان.

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ﴿١﴾

{ ۱ } ما به تو بخشیدیم سرچشمه افزاینده را.

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ﴿٢﴾

{ ۲ } پس برای پروردگارت نمازگزار و نحر کن.

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾

{ ۳ } بی گمان دشمن کینه جوی تو دنبال بریده است

### شرح لغات:

اعطی: چیزی را به او بخشید، در دسترسش گذارد، بیش از درخواست یا انتظار

بذاد.

الکوثر، صفت مبالغه (از کثرت): سرچشمه خود جوش، افزاینده، سرشار،

خیر بسیار.

انحر، امر از نحر: بر گلوگاه حیوان زد، ذبحش کرد، به نماز یا در برابر چیزی

ایستاد، کاری را به شایستگی انجام داد، سینه اش را به جلو آورد.

شانی، اسم فاعل از شنا: با او دشمنی کرد، بد رفتاری نمود، کینه اش را به دل

گرفت. شن آن، مصدر و دلالت بر رفت و آمد دارد. مانند: خلیجان و دوران.

ابتر: نازا، دم بریده، بی نام و نشان، ناپایدار، مقطوع الخیر.

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»: جمله اسمیه مؤکد و ضمیر جمع متکلم و مکرر، دلالت



می‌نماید به تخصیص اعطا به فاعل و ضمانت و تعظیم آن و دخالت علل و اسباب فاعلی، و چون اعطا تملیک از روی تفضل و به مقدار استعدادگیرنده و کرامت‌دهنده است، این اعطا بی‌پایان می‌باشد و پیوسته افزایش می‌یابد. فعل «اعطینا»، دلالت به اعطای سابق دارد. «الکوثر»، چون به معنای منبع و ماده جوشان و افزایشنده است و قرینه‌ای برای تحدید آن در ظاهر آیه نیست، هر چیزی را شامل می‌شود که از روح مخاطب گرامی سرچشمه گرفته. و شاید به قرینه عهد و خطاب، همان سرچشمه فیاض وحی و نبوت باشد که دیگر خیرات از موارد و آثار آن است. و آنچه مفسرین ذکر کرده‌اند از قرآن، حکمت و علم، کثرت ذریه، علمای امت، کثرت پیروان، شفاعت، همین بیان آثار و موارد وحی و نبوت است که پیش از این‌ها به آن حضرت داده شده و فعل ماضی اعطینا، نیز دلالت بر همین دارد، قرآن از آثار همین کوثر وحی و استعداد آن است و خود کوثری است که از آیات آن علم و معرفت می‌جوشد و هر طالبی را به اندازه ظرفیتش سیراب می‌گرداند، و تلاوت آیاتش اذهان و نفوس را از اوهام باطل و عادات و اخلاق پست پاک می‌سازد و سرچشمه حکمت را از درون فطرت‌ها جاری می‌نماید:

﴿يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ﴾ (جمعه ۲/۶۲) این کتاب و حکمت که مورد اشاره آیه است و از سرچشمه تعلیم قرآن مایه می‌گیرد، خود سرچشمه جوشان و خیر کثیری است که به همه جوانب زندگی جاری می‌شود : ﴿وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ (بقره ۲/۲۶۹). کتاب و حکمتی که قرآن پس از تزکیه تعلیم می‌دهد، چشم عقل فطری را به مبادی و نهایت جهان و طریق سلوک انسان و رازها و ریشه‌های آفرینش و اصول احکام باز می‌نماید. قرآن با این طریق تعلیم، حس تحقیق و دریافت را در اذهان مردمان مستعد بیدار کرد و علوم و عقاید و اوهام جامد آن‌ها را در هم شکست، و به سرچشمه معارف و ایمان



پاک هدایشان نمود و در این اذهان سرچشمه‌هایی گشود. مظهر دیگر و مثل کامل این کوثر، گفتار و رفتار و روش و اخلاق آن حضرت بود که برای همیشه سرچشمه ایمان و معرفت و حکمت و طریق زندگی و ابدیت است. و همین کوثر، از مجرای توارث و خون و تربیت خاصی در وجود امامان و ذریه پاکش جریان یافت و موجب تکثیر نسل او و هدایت خلق گردید. چنان‌که از یگانه دختر اطهرش - با آن همه دشمنی‌ها و کشتارها - فرزندان با ایمان و غیور پدید آمدند و برای هدایت و نجات خلق به هر سو پراکنده و افزوده شدند و منشأ فیض و هدایت خلق در هر زمان گردیدند. و همچنین هر یک از علمای اسلام که وارث معارف قرآن و پیوسته به روح محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و وحی او می‌باشند، فرزندان روحی آن حضرت و شعبه‌ای از نهر کوثرند و لایزال سرچشمه اصول و فروع اسلام از افکارشان منبجر شده به سوی فراگیرندگان جاری می‌شود، چه مردم زمان آن‌ها را بشناسند یا نشناسند. و چون این سرچشمه‌ها متصل به منبع فیاض وحی و دارای اصول روشن و فطری می‌باشد، همواره فطرت‌ها و وجدان‌های پاک آن‌ها را می‌پذیرد و با فقد تبلیغ منظم و مجهز و با همه مشکلات و موانع، پیروان این آیین افزایش می‌یابند. هدف نهایی امامت و رهبری آن نیز گذراندن مسلمانان از مشکلات عادی زندگی و رساندن به سرچشمه کوثر می‌باشد.<sup>۱</sup> حقیقت شفاعت در آخرت نیز نمودار همین کوثر و پیوستگی به آن است. اوصافی که در روایات از طرق مختلف، درباره حوض یا نهر کوثر شده، تمثیل و اشاراتی است از همین سرچشمه وحی و نبوت:

۱. «والله لو تكافتوا عن زمام نبذه اليه رسول الله لاعتقله و لسا ر بهم سيرا سجحا... و لا و ردهم منه لا نميرا فضاضا تطفح ضفتاه»: «به خدا سوگند اگر همدستی می‌کردند و زمامداری را که رسول خدا به وی داده بود به عهده‌اش می‌گذاشتند آن‌ها را آسان بیش می‌برد... تا به سرچشمه جوشان و پرمايه و گوارایی می‌رساند که از دو سوی آن سرشار می‌ریخت». از خطابه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام هنگام بیماریش، برای بانوان مهاجر و انصار. (مؤلف)



عن النبي ﷺ: «انه نهر في الجنة وعدنيه ربي فيه خير كثير احلى من العسل و ابيض من اللبن و ابرد من الثلج... حافظه الزبرجد و اوانيه من فضة لا يظما من شرب منه»: «کوثر نهری است در بهشت که پروردگارم به من وعده داده، در آن خیر بسیار است، از عسل شیرین تر و از شیر سپیدتر و از یخ سردتر است، دو لبه آن زبرجد و ظروف آن از نقره می باشد، هر کس از آن بنوشد تشنه نشود». [مجمع البیان].

«ما في الجنة بستان الا و فيه من الكوثر نهر جاری...»: «در بهشت بوستانی نیست مگر آنکه در آن از کوثر نهری جاری است». [منبع این حدیث یافت نشد].

نهر کوثر چنانکه در بعضی روایات آمده، از زیر عرش جریان دارد و مبدأ و نهایت آن بی پایان و نامحدود است. و هر کس به اندازه ظرفیت ذهن صاف و پاکش از آن دریافت و بهره ای دارد (شاید جمله «اوانیه من فضة» اشاره به این گونه ظرفیت یا نموداری از آن باشد). و مانند معارف و علوم بشری نیست که سرچشمه اش سطحی و پایان پذیر و دریافتش محدود و آلوده به شهوات و اوهام و ناگوار در ذوقها باشد.

### کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

چون منبع کوثر از زیر عرش فرمانفرمایی پروردگار است و به صورت وحی جریان دارد، خروشان و پاک کننده و درهم شکننده و بالا برنده و گسترش یابنده و سازنده است و در هر جهت و هر ظرفی و پدیده ای مظهري دارد، برای ظرفیت های قابل، خرمی و تحرک و کمال و نیرومندی و خوشی می آورد و برای ظرفیت های ناقابل تباهی و افسردگی و زوال در بردارد. این گونه آثار و نمودارها از مراتب و مجاری وحی رخ می نماید، گرچه سرچشمه و کوثر آن از نظرهایی پنهان باشد؛ چه غریزی و محدود مانند وحی زنبور عسل باشد، یا عالی و عقلی چون وحی



پیغمبری.<sup>۱</sup> از همین جهت که کوثر، اصل و منبع و مظاهری دارد، مطلق آمده: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ...».

«فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرِ»: این آیه تفریح به آیه سابق و به گفته عموم مفسرین: امر به شکرگزاری در مقابل اعطای کوثر، به وسیله نماز است که متضمن شکر به قلب و زبان و جوارح می باشد. و چون پیش از این امر «فصل»، نماز واجب بوده، این امر باید تأکیدی و یا به قرینه لربک، تنبیه به اختصاص و اخلاص هرچه بیشتر نماز برای پروردگار باشد، نه آن چنان نمازی که خود نمایان و مانعین ماعون می گزارند. و نیز مقصود از امر «انحر» ایجاب قربانی شتر است که گران بهاترین مال عرب بود، در راه خدا و خالص برای پروردگار، نه در راه بت ها و خودنمایی که مشرکین انجام می دادند. و شاید معنای این امر (چنان که از ائمه معصومین علیهم السلام روایت شده) بالا بردن دو دست تا بالای سینه و محاذی گلوگاه، و یا جلو آوردن سینه و روی، هنگام تکبیرات نماز باشد که توجه کامل به ربوبیت را می نمایاند، زیرا این گونه روی آوردن و بالا بردن دست ها، هماهنگی روح و اعضا و تواضع بنده و روی آوردن او به پروردگار و روی گرداندن و پشت سر گذاردن ما سواست.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

۱. چون که اوحی الی النحل آمده است او به نور وحی حق عزوجل این که کرمناست و بالا می رود نی تو اعطیناک کوثر خوانده ای یا مگر فرعونی و کوثر چونیل توبه کن بیزار شو از هر عدو هر که را دیدی ز کوثر سرخ رو هر که را دیدی ز کوثر خشک لب زانکه او بوجهل شد یا بولهب

خانه وحی اش پر از حلوا شده است کرد عالم را پر از شمع و عسل وحی اش از زنبورکی کمتر بود پس چرا خشکی و تشنه مانده ای بر تو خون گشته است و ناخوش ای علیل کون ندارد آب کوثر در کدو او محمد خوست با او گیر خو دشمنش می دار همچون مرگ و تب دور شو زو تا نیفتی در کرب

(مؤلف)، مثنوی مولانا، دفتر پنجم، بیت ۱۲۲۹ به بعد



و شاید امر تفریعی «فصل» متضمن جزای شرط مقدر باشد، یعنی: چون به تو کوثر اعطا کردیم برای اینکه این منبع فیاض را هرچه بیشتر و به هر سو جاری گردانی، باید برای پروردگارت همی نمازگزاری و قربانی نمایی، زیرا نماز کامل، پیوستگی به پروردگار و باز نمودن مجاری روح از موانع نفسانی، برای جریان فیض و رحمت است؛ و قربانی، انفاق گرانبهاترین حیوانات مورد علاقه برای پروردگار است. این نماز و قربانی است که سرچشمه کوثر را به روی شخص و به سوی خلق می‌گشاید. و با ترک آن هر سرچشمه خیری بسته و خشک و حیات انسانی جامد و ساکن و ناپایدار می‌گردد:

«إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ»: ان و ضمیر هو، تأکید در تأکید و حصر را می‌رسانند. پس از آن خبر مؤکد به اعطای کوثری که خود سرشار و افزایشده و جاری شونده است، این آیه ناپایداری زندگی و اندیشه کوتاه و جامد مانعین کوثر و دشمنان مظهر آن را اعلام می‌نماید: به راستی، ابتر همان دشمن کینه‌ورز تو است، نه تو!

کفر پیشگان قریش و دیگر دشمنان رسول اکرم ﷺ چون خود را نیرومند و دعوت و شریعت او را مخالف با عقاید عرب و ملل دنیا می‌دیدند، امیدوار بودند و پیش‌بینی می‌نمودند که دعوت و نام آن حضرت چندان نمی‌پاید و از میان می‌رود و بعد از آنکه پسران آن حضرت (قاسم و عبدالله در مکه و ابراهیم در مدینه) در اوان طفولیت از دنیا رفتند، این امید و آرزوی دشمنان بیشتر شد تا آنجا که بعضی فرومایگان گستاخ آن‌ها - مانند عاص بن وائل - بالحن سرزنش و ناسزا آن حضرت را ابتر نامید. این آیه به عکس امید و آرزوی آن کوتاه‌بینان فرومایه، با پیش‌بینی مؤکد اعلام می‌دارد که ابتر آن‌ها می‌باشند که کینه و دشمنی با دارنده کوثر را در دل دارند، نه دارنده کوثر. کوثر چون سرچشمه حق و خیر و کمال است که از درون خلقت و



ضمیر نبوت و انسان‌های عالی‌مقام می‌جوشد، همیشه تحرک و جریان دارد و به هر سو پیش می‌رود گرچه ظهور نداشته باشد. باطل و شر، هر چند قدرت‌نمایی کند و چشمگیر باشد، چون سرچشمه و پایه و مایه ندارد خشک و ناپایدار و منقطع (ابتر) است، گرچه در نظر کوتاه بین که روز را روزگار می‌پندارد، ثابت و پایدار بنماید. از نظر حق و آیاتش که روزگاریها بیش از روزی بلکه ساعتی و آنی نیست، دارنده کوثر و منطقتش و آیینش در امتداد نور و زمان و کیهان همواره پیش می‌رود و دشمنانش ابتر می‌مانند و زایل می‌شوند، خواه فرومایگان کوتاه‌اندیش و محکوم باطل باور کنند یا نکنند. مگر بت‌تراشان و بت‌پرستان مغرور عرب که این آیه با لحن مؤکد و قاطعش در گوش آن‌ها طنین افکند باور می‌نمودند که خود و نسلشان که قرن‌ها بر دیگر مردم حکومت می‌کردند و اندیشه و اوهامی که روزگاران بر آن‌ها چیره بود، رو به زوال و انقراض می‌روند. آیندگان دیدند و ما هم دیدیم که چگونه آن‌ها به تاریکی رفتند و دارنده کوثر تابندگی و ابدیت یافت.

مخاطب در این سوره - مانند سوره الضحی و الم نشرح - شخص رسول خدا ﷺ است. مخارج صوتی حروف و حرکات و ترکیبات و فواصل این سوره، آهنگ و ایقاعات خاص و وصف ناشدنی دارد. هر آیه دارای دو ایقاع است که از حروف یک مخرج و قریب‌المخرج «ا، ن، ک، ل» متصل و منفصل و فواصل راء ما قبل فتحه، ترکیب یافته که از مجموع آن‌ها آهنگی یکنواخت برمی‌آید. آیه اول با حرکت کسره و نون مشدد و فتحه‌ها و سکون‌های متوالی آمده که حرکت اعطاء را از مبدأ تا نهایت می‌نمایاند. صدای حروف و حرکات متنوع آیه دو، نمایاننده دو امر متوالی است. ایقاع اول آیه سه: «إِنَّ شَانِئَكَ» اندک امتداد معنا و کوتاهی ایقاع دوم، «هُوَ الْأَبْتَرُ» قطع دنباله مضمون را می‌نمایاند.



اوزان و کلمات خاص این سوره: اعطیناک، الکوثر، انحر، شانی، الأبتتر، است. معانی عالی و پیشگویی قاطع که در سه آیه کوتاه این سوره آمده و در آهنگ حروف و حرکات و کلمات خاص و متقارب و متقابل نمودار شده، نه می توان چنان که هست دریافت و نه وصف نمود و خود سرچشمه کوثر و نشانه کلام برتر و به عجز آوردن بشر است.

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام چنین آورد: آن کس که سوره «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ» در فرایض و نوافل خود بخواند خداوند در روز قیامت او را از کوثر بیاشاماند».



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»